

یادداشت

جنگ ودیپلماسی بدون رسانه

در جهان رسانه‌ای شده امروز، ما خود پیرامون و جهان را از چشم رسانه نگاه می‌کنیم. رسانه می‌تواند حتی به ما احساس خوشبختی بدهد یا ناکامی. رسانه می‌تواند ما را به ما برنده معرفی کند یا بازنده. در عرصه جهانی رسانه می‌تواند ما را جنگ‌طلب بشناساند یا صلح‌جویی که مورد تجاوز قرار گرفته است. بدون مدیریت رسانه‌ای کاملاً حرفه‌ای و تخصصی، یک رکن مهم جنگ و دیپلماسی آن لنگ است.

ادامه‌از صفحه اول

چه کسی از شرق می‌هراسد؟

بنابراین مسئله همکاری با طرف خارجی را نه از زاویه «تعداد و حجم قرارداد» بلکه باید از زاویه «نوع قرارداد و جایگاه آن در زنجیره ارزش» دید. حتی اگر کارتل‌های داخلی هم‌اکنون قرارداد‌های زیادی با خارجی‌ها می‌بندند و عملاً با آنها کار می‌کنند، این همکاری در حلقه‌های ابتدایی زنجیره ارزش است که ساختار رانتی را دست‌نخورده نگه می‌دارد. نمونه خودروسازی بسیار روشنگر است: مسئله این نیست که چقدر قرارداد با چین بسته شده، بلکه موضوع این است که کدام حلقه زنجیره ارزش به ایران واگذار شده است؟ آیا ایران به پلتفرم‌ها، طراحی موتور، گیربکس و R&D ورود می‌کند که مستلزم کنترل زنجیره ارزش توسط چین است یا باید به سرهم‌بندی قطعات واردشده به‌صورت CKD و SKD اکتفا کند؟ یا در خصوص راه‌آهن، موضوع حیاتی این است که تأمین مالی صرف برای ساخت آن از نگاه راهبرد سرمایه‌گذاری اهمیتی ندارد، مهم این است که آیا همان راه‌آهن با احداث بندر، مناطق صنعتی، صادرات و شبکه تولید همراه می‌شود یا خیر؟

این استدلال که کارتل‌ها می‌توانند هم انحصار را حفظ کنند و هم سود بیشتری از بازی در «حلقه‌های بالاتر زنجیره ارزش» ببرند، به دلایلی نادرست است. نخست اینکه موضوع «انتخاب بین دو نوع سود» (سود رانتی یا سود صنعتی) است. سرمایه صنعتی سودش را از ارتقای تکنولوژی، افزایش بهره‌وری، تولید بیشتر و رشد صادرات می‌گیرد؛ اما سرمایه رانتی سودش را از «کمبایی مصنوعی» و ابزارهایی همچون انحصار مجوز، اختلاف قیمت، سهمیه‌های ارزی و تسلط رانتی بر زمین و نفت به دست می‌آورد. بنابراین حتی اگر سود کل اقتصاد (صرف‌نظر از توزیع طبقاتی آن) پس از ارتقای سطح همکاری افزایش یابد، سود شخص رانت‌خوار پایین می‌آید.

دوم اینکه انتقال تکنولوژی صرفاً انتقال ماشین نیست، بلکه انتقال «قدرت اقتصادی» هم هست. مثلاً چین برای تولید موتور خودرو در ایران باید صدها قطعه‌ساز داخلی را هم ارتقا دهد. همچنین لازم است استانداردها تغییر کند، نظام مالکیت فکری، سیستم بانکی و بیمه‌ای متحول شوند تا قرارداد‌های بلندمدت شکل بگیرد و نیروی متخصص قدرت پیدا کند. همه اینها به آن معناست که سرمایه صنعتی نظم جدید می‌خواهد. به بیان مارکس سرمایه صنعتی مجبور است دائماً انقلاب در ابزار تولید ایجاد کند، ولی سرمایه تجاری چنین الزامی ندارد. مثلاً واردکننده ثبت سفارش می‌کند، از می‌گیرد و کالا وارد می‌کند؛ اما تولیدکننده مجبور است تحقیق و توسعه کند، آموزش ببهد، کیفیت را بالا ببرد و استانداردها را رعایت کند و این به معنای رسیدن به نظم اجتماعی متفاوتی است که قدرت کارتل‌های انحصاری و واسطه‌های واردات را تضعیف می‌کند. توسعه صنعتی بازیگران جدید خلق می‌کند. صنعت جدید فقط کارخانه نمی‌سازد؛ مدیران جدید، صادرکنندگان نوبا، قطعه‌سازان اتحادیه‌ها و به‌طور کلی طبقه متوسط صنعتی تونبی می‌سازد که هرچند به مراحل بعدی سهم‌خواهی اجتماعی-سیاسی خواهند کرد که بی‌شک تغییر در توازن نیروهای اجتماعی را در پی دارد که ترس را بر جان کارتل‌های اقتصادی کنونی می‌اندازد. سوم اینکه ورود به حلقه‌های بالایی زنجیره ارزش، نیازمند «شفافیت حقوقی و مالی» است. مثلاً ساخت تراشه در ایران نیازمند حقوق تجاری متوازن، قرارداد‌های تضمین‌شده، نرخ ارز قابل پیش‌بینی و قوانین گمرکی بی طرف و قابل اعتماد است. این عناصر همگی تبدیل به اهرمی اقتصاد برای اصلاح ساختار می‌شوند و اقتصاد رانتی را کاملاً تحت فشار قرار می‌دهند. مسئله مهم‌تر از همه اینها، «افق زمانی» است. با ابزار رانت می‌شود در کوتاهمدت پول ساخت، ولی صنعت شاید ۱۰ سال بعد به سود برسد. اگر بازیگر مطمئن نباشد ۱۰ سال دیگر همچنان صاحب قدرت خواهد بود، طبیعی است که رانت امروز را بر سود بیشتر فرد ترجیح می‌دهد.

جالب اینجاست که سرمایه چینی به‌خاطر الگوی صدور سرمایه مخصوص به خود، برای شبکه رانتی ایران «نسبتاً» خطرناک‌تر از سرمایه غربی است. تجربه چند دهه اخیر نشان می‌دهد بخش عمده همکاری‌های ایران و سرمایه غربی نیز در همان حوزه‌هایی شکل گرفته که با ساختار رانتی ایران سازگار بوده است. هرجا همکاری به انتقال بخشی از کنترل تولید و انباشت نزدیک شده (توتال فرانسه) یا سرمایه‌گذار عقب‌نشینی کرده یا ساختار داخلی مانع تداوم آن شده است، در این چارچوب طی چندین دهه سرمایه غربی عمدتاً در چارچوبی به مذاکره می‌شده که با ساختار رانتی موجود قابل جمع باشد و بتواند در شرایط اضطراری فرار کند. بنابراین غرب در نهایت به خرید نفت و فراورده‌های آن و فروش کالا و تجهیزات نهایی متمرکز بوده است. در حالی که سرمایه غربی درک کرده که نباید بر تحول در ساختار انباشت در ایران اصرار کند، الگوی چینی به‌خصوص بعد از ۲۰۱۳ (ابتکار کمربند و راه) به دلیل منطق متفاوت آن، می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. چین شریک راهبردی کشوری نمی‌شود که فقط نفت بفرشد؛ شریک راهبردی کشوری می‌شود که بخشی از فرایند انباشت خود را با اقتصاد چین بزنه بزند. یعنی چین فقط نفت نمی‌خواهد، بلکه خواهان کنترل کل زنجیره تأمین ازجمله توسعه بنادر، راه‌آهن، شهرک‌های صنعتی و در مجموع لجستیک و تولید مشترک است. همین‌جاست که تضاد شروع می‌شود؛ زیرا الیکارشی ایران فقط تا جایی از سرمایه خارجی استقبال می‌کند که وارد سازماندهی انباشت نشود. پس در نهایت مسئله اصلی، غرب یا شرق نیست؛ مسئله آن است که آیا سرمایه خارجی صرفاً در گردش کالا و استخراج رانت ادغام می‌شود یا می‌خواهد در سازمان‌دهی تولید و انباشت نیز نقش هژمونیک بیابد. الیکارشی ایران با نوع اول سازگار است؛ زیرا موقعیت رانتی خود را حفظ می‌کند؛ اما هرچه سرمایه خارجی به سازمان‌دهی تولید، تعیین استانداردها، مدیریت زنجیره ارزش و کنترل جریان انباشت نزدیک‌تر شود، تضاد آن با ساختار رانتی افزایش می‌یابد. خواه سرمایه آمریکایی باشد، خواه اروپایی و خواه چینی. تضاد اصلی نه بین چین و الیکارشی ایرانی بلکه بین «الگوی انباشت چینی» در مقابل «الگوی انباشت ایرانی» است که در شرایط کنونی توسط «ناوولکرلیان و تکنوکرات‌های وابسته به آن» مدیریت می‌شود. مخالفت ساختار رانتی ایران با چین، مخالفت با سرمایه چینی نیست؛ مخالفت با آن سطحی از حضور سرمایه چینی است که مستلزم انتقال بخشی از کنترل فرایند انباشت، مدیریت صنعتی و سازماندهی تولید باشد.

از این‌رو پرسش اصلی این نیست که «چه کسی با چین مخالف است؟» بلکه این است که «چه کسی حاضر است بخشی از کنترل فرایند انباشت را با چین شریک شود؟». پاسخ اقتصاد سیاسی ایران روشن است؛ همان ساختاری که در دهه‌های گذشته حاضر نشد چنین جایگاهی را به سرمایه غربی بدهد، دلیلی ندارد امروز آن را برای سرمایه چینی بپذیرد. بنابراین مسئله، شرق یا غرب نیست؛ مسئله حفظ هژمونی سرمایه‌های تجاری-رانتی است. تا زمانی که این هژمونی برقرار باشد، «چرخش به شرق» نیز عمدتاً به معنای تغییر خریدار نفت، فروشنده کالا و پیمانکار پروژه‌ها خواهد بود. نه تغییر جایگاه ایران در زنجیره ارزش جهانی. با تداوم این فضا، ایران تا برقراری یک اتحاد راهبردی اقتصادی-سیاسی فاصله بسیاری خواهد داشت.

شرق: نخست‌وزیر اسپانیا در نشست روز گذشته رهبران اتحادیه اروپا، به دلیل سیاست‌های مهاجرتی دولت هدف انتقادات تند همتایان اروپایی خود قرار گرفت. هجوم ۶۰ هزار مهاجر از مراکش به سن‌توا و مرگ ده‌ها نفر، شکاف عمیقی میان مدافعان امنیت مرزها و حامیان دکترین درهای باز ایجاد کرده است. روبرویی دیپلماتیک پدرو سانچز و همتایان اروپایی‌اش پس از آن شدت گرفت که قلمرو اسپانیایی سن‌توا در شمال آفریقا طی روزهای پنجشنبه و جمعه، با هجوم ناگهانی ۵۰ تا ۶۰ هزار مهاجر روبه‌رو شد. اگرچه مقامات مادرید ادعا می‌کنند بیشتر این جمعیت به‌سرعت به مراکش بازگردانده شده‌اند، اما این تهاجم مرزی یک بحران عظیم بشردوستانه را رقم زد و بحث‌های امنیتی مهاجرت را در میان ۲۷ کشور عضو بلوک اروپا به نقطه جوش رساند. بر اساس گزارش‌های رسمی مقامات اسپانیایی و مراکشی، در جریان این هرج‌ومرج سازمان‌یافته، بیش از ۸۰ نفر جان خود را از دست دادند که بسیاری از آنها غرق شده یا زیر دست و پای جمعیت در تلاش برای عبور از حصار موج‌شکن له شدند. در آمارهای تکمیلی، تعداد این تلفات ۸۸ نفر نیز ذکر شده است که بزرگ‌ترین موج نفوذ غیرقانونی به اتحادیه اروپا توصیف می‌شود.

انتشار نامه‌های سرگشاده از سوی ۲۲ رهبر اتحادیه اروپا و پاسخ‌های تدافعی سانچز، از یک شکاف عمیق و ملتهب در درون این بلوک پرده برداشت. این تقابل بی‌پرده، محافظه‌کاران و راست‌گرایان حامی کنترل مرزها را در برابر رهبر سوسیالیست اسپانیا قرار داده است؛ چهره‌ای که پیش از این نیز اجماع اروپا را در مسائلی کلیدی همچون هزینه‌های دفاعی ناتو و مواضع در قبال جنگ غزه و اسرائیل به چالش کشیده بود. دولت سانچز با رد این انتقادات، آنها را دارای انگیزه‌های سیاسی خواند و مدعی شد بیشتر مهاجران ظرف چند ساعت و در هماهنگی نزدیک با مقامات مراکشی به عقب رانده شده‌اند. در حالی که حمایت بسیار اندکی از سوی سایر کشورهای اروپایی دریافت کرده‌اند، آلبیشا کارسیا هرو، اقتصاددان ارشد مؤسسه مالی تاتیکسیز، با اشاره به تهدیدهای امنیتی مسکو، بی‌ثباتی در روابط با واشینگتن و تنش‌های اقتصادی با یکن، تأکید کرد اروپا فارغ از نتیجه نشست روز سه‌شنبه، در حال نمایش یک ناهماهنگی و شکاف به‌شدت آسیب‌زااست. او هشدار داد اروپا بار دیگر ضعیفی عظیم و گسترده از خود نشان داده است.

شورش علیه درهای باز

با انتشار گسترده ویدئوهای هجوم مهاجران به سن‌توا، رهبران اتحادیه اروپا به‌سرعت سانچز را هدف حملات خود قرار دادند. بسیاری از این مقامات، سیاست‌های پیش‌رو و تساهل‌گرانه دولت او را عامل اصلی این رویداد دانستند و به صورت علنی خواستار برقراری کنترل‌های مرزی جدید در مبادی ورودی دریایی، هوایی و زمینی شدند. جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، بی‌پرده‌ترین و صریح‌ترین انتقادات را علیه سانچز مطرح کرد و از اجرای سخت‌گیرانه کنترل‌های مرزی هوایی و دریایی ایتالیا با اسپانیا خبر داد. داندو سیکوتا، استاد دانشگاه بیرمنگام، خاطرنشان کرد ملونی از اقدام ماه جولای سانچز برای اعطای وضعیت قانونی به حدود یک میلیون ساکن فاقد مدارک به‌شدت بیزار است و اشتیاق دارد رویکرد او



سیاست‌های مهاجرتی دولت اسپانیا شکاف عمیق امنیتی در اروپا را عیان کرد

بحران بی‌اعتمادی میان مادرید و بروکسل

را به‌عنوان یک شکست مطلق به تصویر بکشد.

نخست‌وزیر سوسیالیست اسپانیا در یک پیام آنلاین، با فرار به جلو موضع ملونی درباره سن‌توا را مغایر با قوانین اروپا، حقوق بشردوستانه و اصول همبستگی خواند. او مدعی شد ایتالیا از سال ۲۰۲۱ با پذیرش ۴۷۸ هزار مهاجر در برابر ۲۳۴ هزار مهاجر ورودی به اسپانیا، دو برابر این کشور مهاجر پذیرفته است. سانچز در نامه خود یادآور شد اسپانیا در سال ۲۰۲۱ مهاجرانی را که از بلاروس به کشورهای شرق اروپا رسیدند و در سال ۲۰۲۳ مهاجران جزیره لامپدوسای ایتالیا را پذیرفته است. با این حال، متنو ویلا، تحلیلگر مؤسسه مطالعات سیاسی ایتالیا در میلان، یادآور شد به دلیل موقعیت جغرافیایی دورافتاده سن‌توا، خطر واقعی رسیدن این افراد به اسپانیا و سپس انتقال آنها به ایتالیا تقریباً صفر است؛ چراکه فقط دو درصد از مهاجران ورودی به اروپا در نهایت به ایتالیا می‌رسند.

چالش‌های حقوقی

انتقادات از مادرید ابعدی به گستردگی کل اتحادیه اروپا داشت. ملونی همراه با ۲۱ رهبر دیگر از فیلاند تا مالت، نامه مشترکی را امضا کردند که در آن، رأی ماه جولای دیوان عالی اسپانیا به‌عنوان عامل محرک و ماشه این حمله به سیستم مهاجرت و پناهندگی اروپا معرفی شده بود. دیوان عالی اسپانیا با صدور یک حکم حقوقی مقرر کرده بود مهاجرانی که از طریق دریا می‌رسند، برخلاف عبورکنندگان زمینی، به دلیل عبورنگردن از یک مانع فیزیکی، نمی‌توانند بدون طی‌کردن روند طولانی دادرسی به‌سرعت اخراج شوند. سانچز در دفاع از خود مدعی شد این حکم به صورت عمدی توسط قاچاقچیان تفسیر اشتباه شده تا هزاران نفر را برای شناسکردن در امتداد حصار مرزی ترغیب کنند.

در لایه دیپلماتیک، یک دیپلمات عالی‌رتبه مراکشی با شرط ناشناس‌ماندن، وضعیت پیش‌آمده را نتیجه قابل پیش‌بینی حکم دادگاه اسپانیا دانست. او تصریح کرد این حکم پیام روشنی به مهاجران فرستاد که بیایند و اگر برسند محافظت خواهند شد؛ نتیجه‌ای که مقامات سن‌توا باید آن را پیش‌بینی می‌کردند. با وجود این، دولت اسپانیا انگشت اتهام را به سوی همسایه جنوبی خود نشانه رفت. مارگاریتا روبلس، وزیر دفاع اسپانیا، روز دوشنبه از دولت رباط خواست درباره ناکامی محلی در جلوگیری از خروج ده‌ها هزار مهاجر از این پادشاهی تحقیق کند. دیپلمات مراکشی نیز با رد استفاده از زور برای مقابله با پدیده مهاجرت، به صراحت اعلام کرد آنها پلیس اروپا نیستند.

پایان مماشات

خیل آریاس که یک دهه به‌عنوان معاون مدیر اجرایی آژانس مرزی اروپا (فرانتکس) خدمت کرده است، ابراز اطمینان کرد مراکش به احتمال زیاد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در بحران سن‌توا همدستی داشته است. او به رسانه‌ها گفت این اتفاق به دلیل نگرش منفعلانه مراکش رخ نمی‌دهد، بلکه یک دعوت یا تشویق در کار بوده است. کیریاکوس میتسو تاکیس، نخست‌وزیر یونان نیز در یادداشتی هشدار داد سوءاستفاده عمدی از مهاجرت توسط بازیگران دولتی و غیردولتی برای آزمایش تاب‌آوری اروپا و استخراج

امتیازات سیاسی، نیازمند ابزارهای قانونی و عملیاتی جدید برای دفاع از مرزهای خارجی است. او تأکید کرد بحران اخیر نشان داد اتحادیه اروپا باید مکانیسمی اضطراری برای زمانی که مهاجرت به یک سلاح تبدیل می‌شود، توسعه دهد. در سراسر اتحادیه اروپا بسیاری از سیاست‌مداران جناح راست با وعده سرکوب مهاجرت پیروز انتخابات شده‌اند. آنها با استفاده از پیمان مهاجرت و پناهندگی اروپا که قدرت بیشتری برای نظارت، بازداشت و اخراج مهاجران به کشورهای امن مانند مراکش یا مراکز بازگشت در خارج از بلوک می‌دهد، در تلاش برای مهار این بحران هستند. داده‌های آژانس فرانتکس نشان می‌دهد مهاجرت به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵ با ۱.۸ میلیون نفر به اوج خود رسید. از آن زمان با اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه، این رقم به شدت افت کرده و در نیمه نخست سال ۲۰۲۶ با کاهش ۳۷درصدی به حدود ۴۹ هزار نفر رسیده است؛ دستاوردی که مدیر اجرایی فرانتکس

آن را نتیجه همکاری پایدار با شرکای منطقه‌ای می‌داند. با وجود این، میشل لویی، مدیر یک نهاد حمایت از مهاجران در بروکسل معتقد است سن‌توا نشان می‌دهد بازی‌های سیاسی بر سر جان انسان‌ها در دو سوی مرز در جریان است.

اولتیماتوم پایتخت‌های اروپایی

اتحادیه اروپا به پدرو سانچز اولتیمتوم داد برای پایان‌دادن به خصومت‌های دیپلماتیک در درون بلوک، باید قرارگرفتن اسپانیا تحت تدابیر ویژه را بپذیرد. منابع مطلع گزارش دادند از نخست‌وزیر اسپانیا خواسته شده است آمار تأییدشده‌ای از تعداد مهاجرانی که پس از هجوم اولیه بازگردانده شده‌اند، ارائه دهد. این درخواست بی‌سابقه نشان‌دهنده تردید عمیق اروپا نسبت به ادعای مادرید مبنی بر بازگشت اکثر جمعیت ۶۰ هزار نفری است. مارکوس آلونسو، فرستاده اسپانیا در بروکسل، با لحنی تلخ ادعا کرد تقریباً تمام افرادی که به صورت غیرقانونی عبور کرده بودند بازگردانده شده‌اند، اما مقامات محلی آمار دیگری ارائه می‌دهند. میگل آتخل پرز، نماینده دولت مرکزی اسپانیا در سن‌توا، روز دوشنبه تخمین زد هنوز دوهزارو ۵۰۰ نفر در این منطقه حضور دارند.

فراتر از آن، خوان خسوس ویواس، عالی‌ترین مقام سن‌توا، این رقم را بین سه هزار تا پنج هزار نفر اعلام کرد و خبر داد دو مرکز پذیرش مهاجران این شهر به‌طور کامل فروپاشیده‌اند. پایتخت‌های اروپایی روز دوشنبه دور فشرده‌ای از مذاکرات اضطراری را برگزار کردند تا به دعوی‌ای که میان اسپانیا و ۲۲ کشور عضو شعله‌ور شده بود، پایان دهند. در بحبوحه این درگیری، سانچز پس از آنکه بسیاری از رهبران خواستار اخراج اسپانیا از منطقه تردد آزاد شینگن شدند، همتایان اروپایی خود را خودخواه خطاب کرد. این بحران، انتقادات گسترده از سیاست‌های طرفدار مهاجرت سانچز، ازجمله یک طرح عفو را که بیش از ۶۰ هزار مجوز کار به مهاجران غیرقانونی اعطا کرد، تشدید کرد. دولت‌های منتقد استدلال می‌کنند این طرح‌ها به‌عنوان یک عامل جذب‌کننده عمل کرده و پناه‌جویان احتمالی را به ورود غیرقانونی تشویق می‌کند. اورسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، پیش از نشست سه‌شنبه تلاش کرد تنش‌ها میان دولت اسپانیا و این بلوک را کاهش دهد.

گزارش

«فن درلاین» خواستار تشدید کنترل مرزی در اتحادیه اروپا شد

رئیس کمیسیون اروپا در پی انتقادات گسترده در سراسر این قاره از نحوه مدیریت بحران مهاجرتی «سن‌توا» توسط نخست‌وزیر اسپانیا، برای کاهش تنش با مادرید وارد عمل شد. اورسولا فن در لاین در نامه‌ای به پدرو سانچز خواستار تقویت کنترل‌های مرزی و ایجاد موانع فیزیکی در نقاط حساس مرزهای اتحادیه اروپا شد. پس از آنکه سانچز برخی از رهبران اتحادیه اروپا را متهم کرد از بحران مهاجرتی «سن‌توا» برای حمله به دولت او سوءاستفاده کرده‌اند، رئیس کمیسیون اروپا تلاش کرد با این اقدام تنش‌های موجود با اسپانیا را کاهش دهد. جمعه‌گذشته، حدود ۶۰ هزار نفر از اتباع کشورهای غیراروپایی وارد «سن‌توا»، منطقه برون‌بوم اسپانیا شدند؛ این بزرگ‌ترین عبور مرزی ثبت‌شده در اروپا در چنین بازه زمانی کوتاهی به شمار آمد.

بیشتر این مهاجران پس از گذشت چند روز به مراکش بازگشتند و از آن زمان اوضاع در این منطقه به آرامش نسبی بازگشته است. با این حال، مقامات محلی «سن‌توا» روز یکشنبه اعلام کردند دست‌کم ۸۰ نفر در تلاش برای عبور از مرز جان خود را از دست دادند. با وجود اینکه سن‌توا در قاره آفریقا واقع شده و هیچ‌یک از این مهاجران به خاک اصلی اروپا نرسیدند، اما تصاویر منتشرشده از این رویداد واکنش‌های تندی را از سوی دولت‌های اروپایی و کمیسیون اروپا به همراه داشت. سانچز به دلیل سوءمدیریت در این بحران مورد انتقاد سایر دولت‌های اروپایی قرار گرفت؛ در مقابل، رهبر اسپانیا نیز همتایان خود را به رفتارهای «خودخواهانه، نرفته‌افکنانه و غیرقانونی» متهم کرد. خانم فن در لاین در نامه خود به نخست‌وزیر اسپانیا نوشت: «از این حادثه پیداست که برای تقویت هرچه بیشتر مرزهایمان در نقاط حساس، باید چه از طریق نظارت هویشارانه و چه با استفاده از موانع فیزیکی در مواقع لزوم، اقدامات بیشتری انجام دهیم». در پی این واقعه، ۲۲ دولت عضو اتحادیه اروپا روز شنبه در نامه‌ای به نهادهای این اتحادیه خواستار برگزاری نشست ویدئویی فوق‌العاده وزرای کشور شدند. یکی از پیشنهادهایی که قرار است در این نشست مورد ارزیابی قرار گیرد، برقراری مجدد کنترل‌های مرزی در داخل منطقه شنگن است. اورزولا فن در لاین در نامه خود همچنین به توافقی در دست اقدام اتحادیه اروپا و مراکش در زمینه مهاجرت اشاره کرد که هدف آن جلوگیری از بروز چنین شرایطی است.

او در این باره نوشت: «ما در حال حاضر با مقامات مراکشی در حال کار روی مشارکت ساختار یافته‌تر و آینده‌نگران‌تر با اتحادیه اروپا هستیم». اتحادیه اروپا به طیف وسیعی از توافقات دوجانبه با کشورهای آفریقایی دست یافته است که هدف بخشی از آنها جلوگیری از خروج‌های غیرقانونی و ترانزیت مهاجرانی است که ممکن است در نهایت قصد رسیدن به اروپا را داشته باشند. وزرای کشور اتحادیه اروپا در نشست خود که پس بحران سن‌توا برگزار می‌شود، احتمال کنترل‌های سخت‌گیرانه‌تر در مرزهای داخلی سراسر اروپا را مورد بررسی قرار خواهند داد. گزینه دیگر روی میز که وزیر امور خارجه اتحادیه اروپا درباره آن رایزنی می‌کند، نقش آفرینی بررنگ‌تر «فرانتکس» آژانس محافظت مرزی اتحادیه در مواقع اضطراری است.

کارت خودرو/ برگ سبز/ سند کمپانی ۲۰۶ یشمی مدل ۸۴ به شماره پلاک ۴۲ق۴۱۳ ایران ۵۳ شماره موتور: ۷۵۲۴۷۳۳ شماره شاسی: ۲۹۵۹۲ به نام **مریم روانبخش** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

«آگهی مزایده»

کار خانه نساجی مازندران در نظر دارد نسبت به برگزاری مزایده با موضوع عقد قرارداد تولید کارمزدی نخ های طبیعی و نیمه طبیعی سالن ریسندگی اپن اند خود از طریق اخذ بالاترین پیشنهاد قیمت و بهینه ترین شرایط تولید اقدام نماید.

لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می آید از مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ لغایت ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ جهت بازدید از خط تولید و ارائه پیشنهادات کتبی خود، در ساعات اداری به محل کارخانه واقع در استان مازندران، قائمشهر، کیلومتر یک جاده نظامی مراجعه نمایند.

آخرین مهلت تحویل مدارک: ساعت ۱۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ می باشد.

تلفن هماهنگی: ۰۹۱۲۳۸۷۰۲۹۹

تلفن هماهنگی: ۰۹۱۲۳۸۷۰۲۹۹